

عمومی روزی به وجود بیاید و همچنین با فرض ایجاد یک رسانه قوی اروپایی برای اطلاع رسانی از فرآیندهای اتحادیه اروپا به مردم، زبان‌های مختلف مانع دیگری است بر سر راه ارتباط اتحادیه با مردم. با وجود این واقعیت که سه زبان رسمی، فرانسوی، انگلیسی و آلمانی، در اتحادیه اروپا وجود دارد، بسیاری از شهروندان اروپایی هنوز هم قادر نیستند به یکی از آنها صحبت کنند. اگر وحدت‌گریزی همچنان به رشد خود ادامه بدهد، می‌تواند تأثیری واقعی در انتخابات پارلمانی اروپا داشته باشد. کرسی‌های بیشتر برای وحدت‌گريزان در مجلس، باعث افزایش نظرات انتقادی درباره ایده کلی اتحادیه اروپا می‌شود و احتمالاً زمان بیشتری برای بحث درباره این موضوع به هدر می‌رود که می‌توانست صرف پرداختن به مشکلات اصلی اروپا بشود. در پایان، [به نظر می‌رسد] با تلاش احزاب سیاسی جایگزین برای آوردن برخی از رای دهندگان به صحنه و بهره‌گیری از شرایط دشوار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اروپا وحدت‌گریزی گسترش بیشتری بیابد. این فقط بازی خشنی برای دستیابی به موقعیت بهتر است و نه یک تهدید واقعی برای اتحادیه اروپا. حتی اگر وحدت‌گريزان در انتخابات ماه مه به موفقیت نائل شوند، به سختی بتوانند مبانی اتحادیه اروپا را متزلزل کنند. با در نظر گرفتن عقاید وحدت‌گريزان، حتی موفقیت آنها انسان را به شک و تردید وامی‌دارد که: «اولاً راه‌حل آنها برای مشکلات چیست؟ و ثانیاً سناریوهای جایگزین ایشان برای اروپا کدا امست؟ واضح است که زمینه واقعی بسیاری برای ظهور وحدت‌گریزی وجود دارد که به آسانی قابل رفع نیستند. باین‌حال، هر کشور عضو اتحادیه اروپا باید یک سوال را از خود پرسد تا با آن درک بهتری از آینده به دست بیاورد، آن سوال این است که «اهمیت کشور از لحاظ اقتصادی، جغرافیای سیاسی و استراتژیک در جهان چقدر است؟ هنگامی که کشورهایی مانند یونان، پرتغال و یا حتی انگلستان، خود را با کشورهای دیگر، غول‌هایی مانند چین، برزیل و روسیه، مقایسه کنند شاید به این درک برسند که اروپائیان به همین دلیل باید به یکدیگر بچسبند.

بدهد به سرعت از آن آگاه می‌شوند. اتحادیه اروپا با راه‌اندازی وبگاه‌های اطلاع رسانی مختلف، کارزارهای تبلیغاتی و حتی برگزاری جلسات با مقامات عالی‌رتبه اتحادیه اروپا به سختی تلاش می‌کند تا با مردم اروپا وارد گفت‌وگو بشود، اما این کارها اغلب مخاطبان گسترده‌ای نمی‌یابد. دلیل این امر ممکن است موقعیت رسانه‌ها نسبت به اتحادیه اروپا باشد، یعنی «نباید درباره چیزی که مردم به آن علاقه‌مند نیستند زیاد بحث کنیم». رسانه‌های ملی، حتی اگر آنها گزارشی درباره اتحادیه اروپا تهیه کنند، آن را به روشی نادر، خاص و واقعا ناپیوسته تهیه می‌کنند که تصویر ناقصی از اتحادیه اروپا به شهروندان ارائه می‌کند. مشکل دیگر که در اینجا مطرح می‌شود فقدان فضای عمومی در اروپا است. اگر بخواهیم در سطح ملی نگاه کنیم، برای ما دیدن کاریکاتور سیاستمداران، به اشتراک گذاشتن جوک‌هایی در مورد آنها، پخش کردن فیلم‌های خنده‌دار از سخنانی‌های آنها معمولی است. اما آیا ما چنین چیزی را در سطح اروپا داریم؟ بسیاری از شهروندان اتحادیه اروپا به سختی می‌دانند که رهبران اصلی اتحادیه اروپا چه کسانی هستند. با نداشتن هیچ‌گونه جایی برای بحث درباره سیاست اروپا، شانس آن برای تبدیل شدن به بخشی از زندگی مردم بسیار کوچک است. حتی اگر فرض کنیم که فضای

آینده پیش رو دارند. او خاطرنشان می‌کند که احزاب سیاسی سنتی نگاه درستی به مسائل و مشکلات اروپا ندارند و همین نکته باعث سلب اعتماد از آنها شده است. به همین دلیل اکنون نوبت احزاب وحدت‌گريز است که کام به میدان بگذارند.

بدون آگاهی، بدون اعتماد

بنابراین می‌توانیم ادعا کنیم که دو دلیل عمده برای افزایش وحدت‌گریزی و کاهش اعتماد نسبت به طرح‌های اروپایی در میان مردم وجود دارد: بحران اقتصادی و روشی که اروپا برای برخورد با آن انتخاب کرده است. باین‌حال می‌توانیم دلایل بیشتری برای علل رسیدن اروپا به نقطه‌ای که فعلاً در آن است ملاحظه کنیم. یکی از آنها عدم اطلاع مردم به‌طور کلی از اتحادیه اروپا است. اگر شما به‌طور تصادفی در خیابان‌های بوداپست، پراگ یا ویلنیوس از مردم پرسید سه نهاد اصلی اتحادیه اروپا چیست و چه کاری انجام می‌دهند، مطمئنم هیچ کدام به این سوال‌ها پاسخ صحیح نمی‌دهند. در بسیاری از کشورهای عضو اتحادیه اروپا، این اتحادیه چیزی است که زندگی واقعی مردم دور است و به آن ارتباطی ندارد. مردم از تأثیر مقررات اتحادیه اروپا در زندگی خود آگاه نیستند و همین‌طور از نتایج مثبت سیاست‌های اروپا اطلاعی ندارند. حال آنکه اگر اشتباهی رخ



فوق‌ترین [حس] وحدت‌گریزی در انگلستان دیده می‌شود که در آن بحث ترک اتحادیه اروپا تبدیل به بحثی ملی شده است و حتی ممکن است برای «ماندن یا رفتن» همه‌پرسی برگزار شود